

The second Karabakh conflict and its consequences on national security Islamic Republic of Iran

Reza Parizad¹

Seyyed Shamsuddin Shahidi²

Abstract

The second war between Azerbaijan and Armenia ended in a ceasefire after 44 days in September 2020 with the mediation of Russia. This article deals with the impact of the Karabakh war and the agreement reached on Iran's national interests. With this main question, what effects and consequences did it have for the security and national interests of the Islamic Republic of Iran? According to the findings of the article, the disruption of the balance of power in the South Caucasus and the resulting cease-fire agreement have had positive and negative effects on the interests and security of the Islamic Republic of Iran in different dimensions, the most important of which are: the greater role of Russia in the northwestern borders of Iran. The possibility of the geography of the conflict moving away from Iran's borders is Iran's acquisition of bordering lands and reconnection of the relatively long border with Azerbaijan and the like. The most important strategies facing Iran in facing the aforementioned crisis include adopting neutral positions and at the same time playing the role of active mediation to maintain and fulfill Iran's strategic position to the conflicting parties and regional actors. Active presence in newly liberated areas, increasing transportation and transit routes with the Republic of Azerbaijan, especially in newly liberated areas.

Key words: conflict, Karabakh, Azerbaijan, Armenia, national security, ceasefire, regional and extra-regional actors.

¹ Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University, Qom branch, Iran.
R_parizad@yahoo.com

² Phd student of political science, Islamic Azad University, Qom branch, Iran
Seyedshamsodinshahidi.shahidi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 4, No 13, Autumn 2022

سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز ۱۴۰۱

ppt 181-198

صفحات ۱۹۸-۱۸۱

مناقشه دوم قره باغ و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

رضا پرزاد^۱

سیدشمس الدین شهیدی^۲

چکیده

جنگ دوم بین آذربایجان و ارمنستان در سپتامبر ۲۰۲۰ پس از ۴۴ روز با میانجیگری روسیه به آتش بس ختم شد. این مقاله به تأثیر جنگ قره باغ و توافق حاصل شده بر منافع ملی ایران پرداخته است. با این پرسش اصلی که چه آثار و پیامدهایی برای امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ بر اساس یافته مقاله برهم خوردن موازنه قدرت در قفقاز جنوبی و توافق نامه آتش بس ناشی از آن در ابعاد مختلف به شکل ایجابی و سلبی بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار بوده است که مهم ترین آن‌ها عبارت‌اند از: نقش آفرینی بیشتر روسیه در مرزهای شمال غربی ایران، احتمال دور شدن جغرافیای درگیری از مرزهای ایران، دستیابی ایران به اراضی هم‌مرز و ارتباط مجدد مرز نسبتاً طولانی با آذربایجان و نظایر این‌ها است. مهم‌ترین راهبردهای پیش روی ایران در مواجهه با بحران مذکور نیز شامل اتخاذ مواضع بی‌طرفانه و درعین حال ایفای نقش میانجیگری فعال برای حفظ و ایفای جایگاه راهبردی ایران به طرف های درگیر و بازیگران منطقه‌ای است. حضور فعال در مناطق جدید آزاد شده، افزایش مسیرهای مواصلاتی و ترانزیتی با جمهوری آذربایجان به‌ویژه در مناطق تازه آزاد شده است.

واژگان کلیدی: مناقشه، قره باغ، آذربایجان، ارمنستان، امنیت ملی، آتش بس، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

^۱ استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران. (نویسنده مسئول)

R_parizad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی از دیرباز یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و درعین حال بحران‌خیزترین مناطق جهان به شمار می‌رود. این منطقه که در شمال غربی جمهوری اسلامی ایران واقع شده در گذشته در حوزه تمدنی آن قرار داشت و به‌عنوان بخشی از قلمرو آن به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به دست دولت مرکزی ایران اداره می‌شد. این منطقه به‌منزله پلی طبیعی میان آسیا و اروپاست. قفقاز به‌مثابه چهارراه شمال و جنوب و شرق و غرب نه تنها اوراسیا را از شرق به غرب پیوند می‌دهد بلکه به‌عنوان کانالی قاره آسیا را از شمال به جنوب نیز مرتبط می‌کند و در حقیقت تمدن شرقی و غربی را در اینجا به یکدیگر رسانده‌اند.

بافت قومی - جمعیتی این منطقه بسیار پیچیده و درهم‌تنیده است که خود باعث به وجود آمدن مناقشات فراوانی در طول قرن‌ها شده است، آذری‌ها، ارمنی‌ها، کردها، گرجی‌ها، چچن‌ها، اینگوش‌ها، آبخازی‌ها، روس‌ها و ... از اقوام ریشه‌دار موجود در منطقه هستند که تاروپود قفقاز را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر جغرافیای کوهستانی پرآب و سرسبز منطقه که بین دو دریا و چندین رشته‌کوه ورودهای پرآب به همراه معادن بسیار غنی نفت، گاز، سنگ‌های قیمتی یکی از وسوسه‌انگیزترین و زیباترین مناطق استراتژیکی جهان است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سه جمهوری در این منطقه متولد شدند که از این میان کشور ایران با دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان دارای مرز مشترک است. هر کدام از این جمهوری‌ها دارای علائق، روابط و مشترکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی فراوانی با ایران هستند که خود این موضوع باعث به وجود آمدن تعارضات و کشمکش‌ها و درعین حال روابط حسنه فراوان میان این سه کشور شده است (صدیق میر ابراهیم، ۱۳۸۳). در دهه‌های اخیر دو کشور جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان، همواره بر سر حاکمیت آن دچار چالش بوده‌اند که منجر به بروز جنگ‌های مختلف شده است از جمله در سپتامبر ۲۰۲۰ و پس از ۴۴ روز درگیری که در نهایت با میانجیگری روسیه به آتش‌بس

ختم شد. حال این مقاله به تأثیر جنگ قره‌باغ و توافق حاصل شده بر منافع ملی ایران با این پرسش مورد واکاوی قرار خواهد داد که جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ و آتش بس آن چه آثار و پیامدهایی برای امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه پژوهش این است که بحران قره‌باغ با درگیر بودن بازیگران متعدد بر ایران تأثیر دارد و این تأثیرات در حوزه امنیتی-سیاسی و اقتصادی خواهد بود.

مناقشه قره‌باغ از نگاه بین‌المللی

بحران قره‌باغ از منظر بین‌المللی به دلیل حضور و نفوذ و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارای اهمیت ویژه‌ای است. کشورهای منطقه‌ای چون روسیه، ترکیه، آمریکا و رژیم صهیونیستی درباره بحران قره‌باغ خواهان حضور و اعمال نظر در مسائل مختلف قفقاز هستند. مناقشه قره‌باغ از سال ۱۹۹۳ به بحران بین‌المللی تبدیل و در شورای امنیت و سازمان‌های بین‌المللی بارها مطرح شده است (هنگام اشغال قره‌باغ به دست نیروهای ارمنستان چهار قطعنامه ۸۲۲؛ ۸۵۳؛ ۸۷۴ و ۸۸۴) از سوی شورای امنیت سازمان ملل در این ارتباط منعقد شده است که آخرین آنها در سال ۱۹۹۳ قره‌باغ را جزئی از خاک آذربایجان می‌داند. هر ۱۵ عضو دائم و دوره‌ای شورا در اجماعی کامل به حقانیت جمهوری آذربایجان بر سر مناقشه قره‌باغ رأی داده و بر لزوم برگرداندن قره‌باغ با باکو تأکید کرده‌اند. از بین ۱۹۳ عضو ملل متحد غیر از ارمنستان هیچ کشوری تعلق قره‌باغ را به ارامنه را به رسمیت نشناخته است با این حال مواضع کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای در این باره متفاوت است (خالقی نژاد و کاکاوند ۱۳۹۹/۸/۱۱). با شکست سازمان ملل در حل بحران سال ۱۹۹۴ به کمک گروه "مینسک" (آمریکا، روسیه و فرانسه) تلاش شد تا توافق نامه آتش بس میان آذربایجان و ارمنستان به امضاء رسد (منبری ۱۳۹۶: ۱۵) ولی هیچ یک نتیجه‌ی عینی و مورد انتظار را نداشت و وضعیت حاکم بر منطقه همچنان به صورت آتش بس ادامه یافت. در نهایت در سپتامبر ۲۰۲۰ آذربایجان تصمیم به استفاده از زور برای

بازپس گیری اراضی اشغالی کرد و موفق شد بخش زیادی از اراضی را آزاد کند. در طی سال‌ها جمهوری آذربایجان توانست با چرخش در سیاست خارجی خود و برقراری روابط راهبردی با غرب، ترکیه و رژیم صهیونیستی و با توسل به افزایش شدید درآمدهای نفتی و شکوفایی اقتصادی خود در سال‌های اخیر، با خرید گسترده نظامی و تجهیز به فناوری‌ها و ادوات پیشرفته نظامی به ویژه در حوزه پهپادی و ... با کمک و حمایت‌های تسلیحاتی، اطلاعاتی و مستشاری ترکیه و رژیم صهیونیستی، آمادگی لازم را برای رویارویی جدی با ارمنستان کسب کرده و وارد نبرد با ارمنستان شود. این جنگ ۴۴ روز طول کشید که در نتیجه آن آذربایجان توانست ضمن عقب راندن و شکست میدانی ارمنستان در تمامی جبهه‌ها، بخش‌های اصلی نواحی اشغالی تحت کنترل این کشور را آزاد کند.

اقدامات بازیگران خارجی در مورد بحران قره باغ

بررسی دقیق زوایای بحران قره باغ و مواضع کشورها در این بحران مشخص می‌کند که بازیگران اصلی منطقه و فرامنطقه‌ای شامل جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، روسیه، ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی دارای منافع راهبردی و نقشی اثرگذار در بحران هستند. برای تبیین نقش این بازیگران و چگونگی اثرگذاری بر منافع ملی ایران از مسیر بحران قره باغ، ابعاد رفتاری، مواضع و اقدامات آنان در قبال بحران به شرح ذیل تجزیه و تحلیل می‌شود.

۱- ترکیه

مقامات باکو و آنکارا بارها اعلام و تاکید کرده‌اند که آذربایجان و ترکیه یک ملت در دو دولت هستند و این استراتژی توسط حیدرعلی اف در زمان حیات خود پایه گذاری نمود. آذربایجان در نگاه استراتژیکی ترکیه، مهمترین متحد راهبردی این کشور تعریف شده است. جنگ قره باغ فرصت اثبات این راهبرد را فراهم کرد. با تضعیف کیان تشیع به عنوان مهمترین مولفه آذربایجان به علت سیاست‌های کمونیستی روس‌ها و

همخوانی رویکردهای سکولار باکو - آنکارا در کنار فضای ایران هراسی فرصتی برای رقبای ایران از جمله ترکیه فراهم شد تا نهایت استفاده را از شرایط کنند. سیاست بنیادین ترکیه مبنی بر کسب جایگاه اصلی انتقال انرژی منطقه قفقاز، آسیای مرکزی و روسیه و حمایت غرب از این جایگاه و از همه مهمتر نگاه پراگماتیستی ترکیه به روابط منطقه ای و بین المللی نیز بی دخیل نبوده است. در سیاست خارجی ترکیه دوست و دشمن همیشگی وجود ندارد و دولت اردوغان در چندسال اخیر نشان داده که در جایی که درک می کند پیروز نیست سریع تغییر رویه می دهد و این کشور در عمل نشان داده است که استاد فرصت شناسی است و قادر است تهدید را به فرصت تبدیل نماید. بنابراین در جنگ اخیر، ترکیه در کنار آذربایجان علیه ارمنستان قرار گرفت و برای بازنمایی جنگ به صورت جنگ ارمنی - ترک و مسلمان - مسیحی تلاش کرد و با رویکردی مبتنی بر هویت قومی و مذهبی، به صراحت به پشتیبانی تسلیحاتی، مستشاری و ارسال نیروهای نظامی نیابتی به باکو پرداخت. پس از پیروزی آذربایجان دولت ترکیه تبلیغات وسیعی را در عرصه داخلی خود آن هم درباره پشتیبانی همه جانبه از یک کشور مسلمان و ترک زبان (جمهوری آذربایجان) راه انداخت که به پیروزی آذربایجان در جنگ انجامید. این مسئله علاوه بر بلند پروازی های منطقه ای، نشان دهنده تلاش ترکیه برای کسب حمایت افکار عمومی این کشور، ترک زبانان کشورهای دیگر و همچنین مسلمانان از دولت اردوغان بود. مهمترین اهداف سیاست خارجی ترکیه در بحران قره باغ که می تواند بر منافع ملی ایران اثرگذار باشد به شرح ذیل است:

- مطرح کردن خود به عنوان حامی اصلی کشورهای مسلمان
- ایفای نقش پررنگ در معادلات منطقه قفقاز با توسعه همکاری با جمهوری آذربایجان
- ایجاد و تثبیت محور مواصلاتی آذربایجان - ارمنستان - نخجوان - ترکیه (طبق توافق نامه آتش بس)

- تامین امنیت خط لوله باکو - تفلیس - جهان
- امکان اتصال ترانزیتی به دریای خزر و منطقه آسیای مرکزی و چین و مناطق ترک نشین آن

۲ - روسیه

روسیه بدون تردید بازیگر دیروز و امروز و فردای منطقه قفقاز است و در بحران قره باغ پیروز اصلی روس ها بودند و فرصت خوبی برای آنها فراهم شد که هم نخست وزیر غربگرای ارمنستان را تنبیه اساسی نمایند و هم بدون جنگ و خونریزی به دنبال خروج آنها از آذربایجان پس از حوادث ۲۰ ژانویه ۱۹۹۱ مجدداً به آذربایجان و منطقه قفقاز بازگردند و بیش از پیش بر معادلات فعلی و آینده تاثیر بگذارند. در جنگ قره باغ روسیه بازیگر اصلی و تاثیرگذار بود چون احساس تعلق بیشتری به منطقه داشته و دارد این کشور قبل از هر چیز به دنبال بازگرداندن نفوذ دیرینه خود در قفقاز جنوبی است به گونه ای که با داشتن دست برتر در بحران قره باغ تلاش می کند سایر بازیگران را در این صحنه به حاشیه براند (کولایی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۹) روسیه و ارمنستان عضو "سازمان پیمان امنیت جمعی" هستند این کشور دو پایگاه نظامی در ارمنستان دارد. همچنین با اینکه در جنگ های گذشته روسیه جانب ارمنستان را گرفته بود و جنگ اخیر به علت نزدیکی ارمنستان به غرب تمایل چندانی به جانبداری از ارمنستان نداشته و در واقع آذربایجان با هدایت و چراغ سبز روسیه به ارمنستان حمله کرد و دو روز قبل از شروع درگیری آقای سرگئی لاورف وزیر امور خارجه روسیه در سفری به باکو بودند. به این ترتیب، روسیه با تدابیر و سیاست های خود توانست ابتکار عمل لازم را در مناقشه قره باغ به دست گیرد و از ایفای نقش فعال و محوری همسایگان قدرتمند قفقاز (ترکیه و ایران) و سایر قدرت های فرامنطقه ای مانند آمریکا و اتحادیه اروپا جلوگیری کند.

با توجه به سیاست های غرب گرای دولت آذربایجان و کم رنگ شدن تعاملاتش با دولت روسیه دولت پوتین، با چراغ سبز نشان دادن به باکو برای حمله به ارمنستان و بازپس گیری سرزمین های اشغالی خود و دخالت در روند تصویب توافق نامه و تعیین یک سری امتیازات به نفع آذربایجان در توافقنامه مذکور به دنبال جلب رضایت دولت علی اف و توسعه تعامل و افزایش روابط با این کشور آمده است. روسیه با گنجاندن موضوع حضور و پیاده سازی نیروها و ادوات نظامی خود د خاک آذربایجان به مدت ۵ سال و به احتمال زیاد تمدید آن و حفاظت از کریدور ترانزیتی زنگزور، عملا با ایجاد پایگاه نظامی در قلب خاک آذربایجان در جهت توقف سیاست گسترش ناتو به شرق به خصوص حوزه قفقاز جنوبی موفق عمل کرده است.

۳- رژیم صهیونیستی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ روابط دو کشور ایران و رژیم صهیونیستی قطع گردید و همدیگر را به عنوان بزرگترین دشمن و تهدید علیه امنیت ملی خود قلمداد می کردند. یکی از مناطقی که در دهه های اخیر رژیم صهیونیستی تلاش کرده است در آن حضور داشته باشد تا به وسیله آن از یک طرف منافع اقتصادی خود را تامین کند و از طرف دیگر بر جمهوری اسلامی ایران فشار آورد منطقه قفقاز جنوبی است. بنابراین اسرائیل همیشه تلاش کرده است که با هر سه کشور قفقاز جنوبی به خصوص جمهوری آذربایجان روابط نزدیک و حسنه ای برقرار کند و از طرف دیگر بر جمهوری اسلامی ایران فشار آورد. روابط این رژیم با جمهوری آذربایجان از چند جهت برای جمهوری اسلامی ایران مهم است. با تقویت روابط رژیم صهیونیستی با آذربایجان به ویژه در حوزه های نظامی و امنیتی و همچنین آثار استفاده از خدمات مستشاری است در واقع در پشت صحنه این بحران، آذربایجان به پایگاه منطقه ای ثابت و فعال رژیم صهیونیستی در قفقاز و حاشیه خزر تبدیل خواهد شد.

یکی دیگر از مواضع رژیم صهیونیستی در جریان بحران قره باغ، همکاری با ترکیه در این زمینه بوده که فرصتی را برای این دو و به خصوص رژیم صهیونیستی فراهم کرده است تا به ترمیم روابط تیره شده سال‌های اخیر خود با ترکیه بپردازد. این رژیم همچنین سلاح‌ها و تجهیزات مدرن ساخت خود را در جنگ قره باغ در اختیار آذربایجان قرار داد. این امر فرصت مناسبی را برای این رژیم جهت آزمایش و بررسی‌های کمی و کیفی تجهیزات نظامی ساخت خود را در تقابل یا مقایسه با سایر سلاح‌های موجود در صحنه میدان نبرد قفقاز فراهم نموده است. (کوره گر کالجی، ۱۳۹۹)

سایر اهداف عمده رژیم صهیونیستی از نقش آفرینی در فضای ژئوپلیتیکی قفقاز و به ویژه بحران قره باغ عبارتند از: سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی، فروش سلاح و تجهیزات نظامی و باز شدن پای رژیم صهیونیستی بر مرزهای شمال غربی ایران است. اسرائیل با حضور دائمی در مرزهای شمال غرب ایران می‌تواند بازوی تکمیل‌کننده ناتو و آمریکا در جنوب قفقاز باشد و سیاست همیشگی تفرقه بینداز و حکومت کن را برای واگرایی میان کشورهای منطقه پیگیری کند. مداخله در امور داخلی ایران، تلاش برای مهار جمهوری اسلامی ایران و ایجاد تحریکات قومی در داخل ایران هدف دیگر رژیم صهیونیستی از حمایت از جمهوری آذربایجان بوده است. از سوی دیگر صهیونیست‌ها با حضور در جمهوری آذربایجان می‌توانند در سیاست‌گذاری‌های نفتی و گازی منطقه نیز تاثیرگذار بوده و جریان انرژی به سمت خود را نیز تضمین کند. تردیدی وجود ندارد که صهیونیست‌ها به دنبال ایجاد پایگاه نظامی در سواحل دریای کاسپین هستند و بنابر مشاهدات در قالب شرکت‌های پرورش ماهی و فعالیت‌های نفت و گاز در کنار دریای خزر در حوالی شهر نفت چاله و غیره در تردد هستند. یکی دیگر از دلایل نزدیکی رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان این است که حاکمیت رژیم صهیونیستی معتقد است که مشترکات تاریخی، مذهبی، فرهنگی و جغرافیایی ایران و آذربایجان می‌تواند اتحادی را علیه صهیونیسم به وجود بیاورد و بر همین دلیل تلاش دارد که ایران را به عنوان تهدیدی

جدی برای ثبات و امنیت آذربایجان معرفی کند و از اتحاد و پیوند نزدیک این دو کشور جلوگیری کند.

۴ - دولت های غربی (آمریکا و اروپا)

یکی از سیاست های راهبردی آمریکا در منطقه قفقاز بعد از فروپاشی شوروی، حضور و نفوذ در این منطقه و خارج کردن آن از زیر نفوذ همه جانبه روسیه بوده که در این راه توفیقاتی هم داشته است. جمهوری گرجستان و آذربایجان مناسباتی با آمریکا برقرار کرده اند و در زمینه تسلیحات و اقتصاد با آذربایجان همکاری دارند. در بحران ۲۰۲۰ قره باغ به علت هم زمانی تشدید رقابت های انتخاباتی و تمرکز تلاش تیم دولت ترامپ بر فضای داخلی، آمریکا ابتکار عمل را در صحنه رقابت های قفقاز به نوعی از دست داد و روسیه از فرصت بوجود آمده برای تثبیت حضور در قفقاز جنوبی استفاده بهینه کرد. با این حال قدرت های غربی برای مداخله در امور منطقه با محدودیت های جدی مواجه هستند و بیشتر به پرخاشگری روی آورده اند. تنها امید این دو دولت ایفای نقش در گروه "منسیک" سازمان همکاری و امنیت اروپاست که آن هم به تدریج فلسفه وجودی خود را از دست می دهد و با خطر انحلال روبروست.

آمریکا در بحران قره باغ کاملاً متناقض عمل کرده چرا که از یک طرف از ارمنستان حمایت می کند و از طرف دیگر قره باغ را جزو تمامیت سرزمینی آذربایجان می داند که این امر موجب ناامیدی دو کشور از حسن نیت این کشور شود. به خصوص در این زمینه جمهوری آذربایجان از مواضع آمریکا در این بحران ابراز نارضایتی کرده است و معتقدند که یکی از دلایل نزدیکی با آمریکا برای این امر بوده که این کشور از منافع ما در بحران طرفداری کند و در حالیکه روسیه از ارمنستان حمایت می کند و این کشور حمایت کننده قدرتمندی ندارد.

۵ - مواضع و اقدامات جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در مناقشه قره باغ زمانی که بین منافع ملی و اسلامی اش اختلاف بوجود آمد ترجیح داد که منافع ملی اش را در اولویت قرار دهد که واقع بینانه به نظر می رسد. این امر زمانی بهتر می توان درک کرد که به موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران قره باغ توجه کنیم. در بحران قره باغ در حالیکه حکومت جمهوری آذربایجان انتظار داشت که جمهوری اسلامی ایران در جنگ با ارمنستان جانبداری آذربایجان را به عنوان یک کشور مسلمان و شیعه بگیرد از این رو مواضع ایران در قبال این بحران همیشه بر روابط سیاسی دو کشور تاثیرگذار بوده و در واقع جمهوری آذربایجان انتظار دارد که جمهوری اسلامی ایران مثل کشور ترکیه طرف این کشور را در جنگ بحران با ارمنستان بگیرد. اما جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ موضع بی طرفانه در این بحران باعث ناامیدی و نارضایتی جمهوری آذربایجان شد. با این حال محسن رضایی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک مصاحبه ای با شبکه سحر آذری در ۲۷ فوریه ۲۰۱۳ اعلام کرد که شمار زیادی از جوانان ایران در جنگ قره باغ شرکت کردند و با جراحت و آسیب دیدگی به ایران بازگشتند و شماری از ایرانیان نیز شهید شدند و همچنین بعضی از آنها در شهر باکو در قبرستان شهدا (شهیدلر) دفن شدند. در ماه می ۲۰۱۵ سفیر ایران در آذربایجان اعلام کرد که ایران جمهوری خودخوانده ناگورنو قره باغ را شناسایی نخواهد کرد و انتخابات برگزار شده در این سرزمین را شناسایی نخواهیم کرد. در واقع عدم حمایت قاطع ایران از آذربایجان در بحران مذکور و در نتیجه شکست و اشغال بخشی از خاک این کشور، احساس سرخوردگی و تنهایی ژئوپلیتیکی آذربایجان را در منطقه تشدید کرد و زمینه غرب گرایی بیشتر و تقویت روابط در همه ابعاد با بازیگران خارجی از فضای ژئوپلیتیکی قفقاز مانند ترکیه و رژیم صهیونیستی را فراهم نمود.

در بحران در ۲۰۲۰ قره باغ از جهات گوناگون مانند هم مرز بودن جمهوری اسلامی ایران با دو کشور و درگیر جنگ وجود اشتراکات قومی، زبانی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی

ایران با طرفین درگیر، حساسیت های جمهوری اسلامی ایران به حضور و نفوذ بازیگران منطقه ای و بین المللی، مسائل امنیتی ناشی از حساسیت های هویتی و قومی، نتایج میدانی جنگ و آثار مفاد آتش بس ناشی از آن و در نهایت پیامدهای بحران قره باغ بر تغییرات موازنه قدرت در این منطقه، بر منافع و امنیت ملی کشور اثر گذار بود.

از طرفی حمایت ها و کمک های مالی بعضی از ارامنه ایران به ارمنستان و طرفداری کردهای ایرانی از این کشور در جریان بحران اخیر جنبه دیگر حساسیت های قومی این موضوع را برای کشور نشان می داد که تصمیم گیری سیاست خارجی کشور در این باره با ملاحظاتی مواجه می کرد. طرف آذری تا جنگ ۲۰۲۰ قره باغ همیشه موضع گیری ایران را به نفع ارمنستان تلقی می کرد و ارمنستان هم یک همسایه بی آزار هم از موضوع گیری ایران رضایت داشت. با این حال در جنگ اخیر ایران از آذربایجان حمایت کرد.

آثار و تبعات منفی توافق نامه آتش بس بر منافع ملی

الف) بعد امنیتی - سیاسی

یکی از مهمترین چالش های موافقت نامه آتش بس اخیر برای جمهوری اسلامی ایران، دستیابی آذربایجان به یک مسیر دسترسی به نخجوان از داخل خاک ارمنستان، در مسیر ریلی و جاده ای ارمنستان در حاشیه شمالی مرزهای ایران است، به واسطه این مسیر ترانزیتی آذربایجان، برای دسترسی به نخجوان و ترکیه از خاک ایران بی نیاز خواهد شد. این امر علاوه بر کاهش درآمدهای ترانزیتی ایران در این مسیر، می تواند ملاحظات آذربایجان را در قبال حساسیت های ایران را در این منطقه کاهش می دهد و این کشور را در پیگیری سیاست های راهبردی خود در حوزه های غرب گرایی، روابط با رژیم صهیونیستی و ترکیه و همچنین تبلیغات ناسیونالیسم مصمم تر نماید.

ضعف اقتصادی ارمنستان و سرخوردگی ناشی از شکست در جنگ، بسته شدن توافق نامه تحمیلی، عدم احساس حمایت از جانب قدرت های منطقه ای امکان گرایش بیشتر ارمنستان به سمت غرب و نفوذ و گسترده کشورهای غربی به خصوص آمریکا را در این

کشور فراهم خواهد کرد که این موضوع می تواند به تضعیف ارتباطات ارمنستان با ایران بینجامد.

حضور سرویس نیروهای روسیه در قالب نیروهای مرزبانی و حافظ صلح در محور مواصلاتی احتمالی آذربایجان به نخجوان از طریق ارمنستان، روسیه امکان کنترل و نظارت بر تبادلات ایران و ارمنستان را خواهد داشت و در صورت لزوم می تواند برای دسترسی ایران به ارمنستان و منطقه قفقاز محدودیت یا مانع ایجاد کند.

(ب) - بعد اقتصادی

● طبق توافق نامه آتش بس، ایجاد دالان ترانزیتی آذربایجان - ارمنستان - نخجوان - ترکیه می تواند موقعیت آذربایجان و ترکیه را به عنوان حلقه اتصال شرق و غرب منطقه قفقاز، دریای خزر و آسیای مرکزی تقویت کند و موجب تحریک چین برای سرمایه گذاری و هدایت مسیرهای صادرات و واردات کالا و انرژی خود از این مسیر و ایجاد راه ابریشم جدید شود. این محور با توجه به اینکه موجبات کاهش و تضعیف موقعیت راهبردی و اقتصادی ایران را فراهم می کند مورد استقبال غرب و به خصوص آمریکا خواهد بود.

● ایجاد و توسعه دالان ترانزیتی می تواند زمینه همکاری های اقتصادی، مبادلات کالا و انرژی در مسیرهای ترانزیتی را بین این کشورها و سایر کشورهای ذی نفع، بدون حضور و نقش آفرینی و درآمد زایی برای ایران ایجاد کند که این امر به نفع منافع ملی ایران نخواهد بود.

● چگونگی اداره و تقسیم منابع آبی برای ایران و آذربایجان یکی از نکات مهم در نتایج این بحران است. تاکنون کنترل و بهره برداری منابع آبی مرزی ارس در مناطق مورد مناقشه قره باغ در اختیار ایران بوده است. پس از پیروزی های میدانی آذربایجان و دستیابی به مناطق اشغالی ساحل ارس، ادعاهای آبی این کشور درباره نحوه بهره برداری از منابع آبی این کشور درباره نحوه بهره برداری از منابع آبی مشترک افزایش خواهد یافت.

● ارتباطات بالای اقتصادی ترکیه با کشورهای آسیای مرکزی، سرمایه گذاری ترکیه و غربی در کشورها با اقتصاد ضعیف آسیای مرکزی از این پس به سمت ایجاد زیرساخت های جاده ای و بندری برای تغییر مسیر ارسال کالا و انرژی به مقاصد هدف از مسیر ایران به مسیر کریدور آذربایجان - ارمنستان - نخجوان - ترکیه هدایت می شود که باعث از دست رفتن منافع کلان ترانزیتی کنونی و آینده ایران در این زمینه خواهد شد.

ج - آثار و تبعات مثبت

● قبل از شروع جنگ دوم قره باغ، استقرار نیروهای حافظ صلح روسی در این منطقه می توانست تا مرزهای ایران تسری یابد که این امر منافع ایران را تهدید می کرد اما اکنون با پیشروی ارتش جمهوری آذربایجان به حاشیه مرزهای ایران، نیروهای مرزبانی جمهوری آذربایجان بین ایران و منطقه قره باغ استقرار دارند و حتی در صورت استقلال منطقه قره باغ و حضور دائم روسیه در آن منطقه دیگر مرز مشترکی بین ایران و روسیه وجود نخواهد داشت.

● حضور نظامی طولانی مدت روسیه در منطقه قره باغ و فشار دائمی آن بر آذربایجان و ارمنستان در شرایط پس از اجرای توافق نامه آتش بس، مانع پیشروی ناتو به قفقاز و عضویت آذربایجان و ارمنستان در این سازمان خواهد شد که این امر نیز در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می شود.

● استقرار درازمدت نیروهای حفظ صلح روسی به عنوان نیروی بازدارنده در محور ترانزیتی یکی از داخل خاک ارمنستان و سیاست های کلان حمایتی روسیه از ارمنستان، می تواند زمینه تهدید، تصرف نوار مرزی جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان توسط آذربایجان (جهت اتصال به نخجوان) با همکاری نظامی ترکیه را تقریباً برای همیشه منتفی کند.

● با توجه به سیاست دولت روسیه در قبال گروه های تروریستی تکفیری و حضور نیروهای حافظ صلح روسی در منطقه قره باغ و احتمال تقابل آنها با یکدیگر، مواضع روسیه قاعدتا باید پیگیری تا اخراج کامل نیروها از منطقه قره باغ باشد. چون استمرار حضور این نیروها تهدیدی علیه نیروهای روسی خواهد بود و با تحقق این امر، خواسته ایران هم محقق خواهد شد.

● شرایط خاص جغرافیایی ارمنستان قرار گرفتن در موضع ضعف و کاهش عمق راهبردی این کشور پس از شکست در جنگ اخیر، ضعف اقتصادی ناشی از هزینه های بالای جنگ و همچنین قرار گرفتن بین دو دشمن می تواند موجبات وابستگی بیشتر این کشور به ایران و توسعه روابط راهبردی اقتصادی کشور را فراهم کند.

● آزاد شدن هفت منطقه اشغالی توسط آذربایجان در حاشیه مرزهای ایران به معنای رهایی این مناطق از وضعیت امنیتی و حساس است و طبیعتا با توجه به شرایط اقتصادی آذربایجان و نیاز به خدمات فنی و مهندسی، امکان دعوت از ایران برای سرمایه گذاری و توسعه زیرساخت های این مناطق را فراهم آورده است و زمینه حضور شرکت های ایرانی در بازسازی مناطق اشغالی مهیا گردیده است.

نتیجه گیری

مناقشه قره باغ و جنگ دوم نمونه یک بحران کهنه و زیر خاکستر بود که دیر یا زود به علت شکست تلاش های صلح و از همه مهمتر تغییر شرایط منطقه ای و توازن قدرت بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان به جنگ کشیده می شد علی الخصوص رئیس جمهور آذربایجان جناب آقای الهام علی اف مدت های مدیدی بود که تحت فشار افکار عمومی و مخالفین خود قرار داشت و پس از سه دهه منجر به جنگ منجر شد. پس از وقوع درگیری های ۴۴ روزه و حمله آذربایجان در سپتامبر ۲۰۲۰ با امضای آتش بس توسط روس ها در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ این محاربه با آتش بس به پایان رسید. این پژوهش به پرداختن ابعاد مختلف و تاثیرات بحران اخیر بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. یافته های این مقاله نشان می دهد بحران قره باغ همانند سایر تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه دارای آثار و پیامدهای متعدد سیاسی، امنیتی، اقتصاد، اجتماعی و سرزمینی بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران دارد. توافق ۲۰۲۰ موجب شد جغرافیای درگیری از مرزهای دور شود و اگر جنگ بعدی بین ارمنستان و آذربایجان صورت پذیرد به احتمال زیاد در قره باغ کوهستانی اتفاق می افتد که این منطقه از مرزهای ایران فاصله زیادی دارد و از طرف دیگر منافع و اهداف اقتصادی و امنیتی ایران با وجود آرامش در مرزها تامین می شود و برای مصون ماندن از تهدیدات احتمالی در منطقه مورد مناقشه باید صلح و آرامش برقرار باشد. تا قبل از آتش بس، امکان فعالیت های اقتصادی ایران در سرزمین های اشغالی وجود نداشت دستیابی به اراضی هم مرز و ارتباط مجدد مرز نسبتا طولانی، ظرفیت هایی را برای گسترش شبکه ریلی ایران به قفقاز و روسیه و بهره برداری از سد خداآفرین و حضور شرکت های خصوصی ایران در مناطق ویران شده را فراهم کرده است.

ایجاد تنگه زنگزور که بر اساس مفاد آتش بس، جمهوری آذربایجان را به نخجوان متصل می کند مهم ترین عامل ژئوپلیتیکی با تاثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی است. این دالان از یک طرف باعث کاهش وابستگی ژئوپلیتیکی آذربایجان به ایران و از طرف دیگر

موجب گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی ترکیه در قفقاز و خزر می شود و در نتیجه تهدیدات گسترده ای را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد. ایجاد دالان زنگزور و همچنین بر ظرفیت های ژئوپلیتیک انرژی ایران اثر منفی خواهد داشت و سوآپ گاز ایران به نخجوان، فروش گاز ایران به ترکیه و ارمنستان و سوآپ گاز ترکمنستان به ترکیه از مسیر ایران را تحت تاثیر قرار می دهد و زمینه را برای اجرای طرح آمریکایی "ترانس خزر" فراهم می کند.

همچنین باعث حضور نظامی روسیه در قفقاز جنوبی شده و فرصت حضور و نقش آفرینی در مرزهای شمال غربی ایران را افزایش می دهد که همین امر عاملی برای تهدید امنیت ملی ایران خواهد بود. علاوه بر این کمک های تسلیحاتی کلان و موثر رژیم صهیونیستی در آزاد شدن مناطق اشغالی آذربایجان که خرسندی مقامات و برخی از مردم آذربایجان را به همراه داشت، نقش آفرینی بیشتر این رژیم در مرزهای شمال غربی ایران موجب شده و تاثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. از این رو جمهوری اسلامی ایران تلاش خود را می کند که از طریق دیپلماتیک به حفظ وضع موجود رسد و از هر تحولی که موجب نزدیکی بیشتر و تهدید منافع ملی ایران کند را با حساسیت پیگیری کند.

منابع

صدیق میر ابراهیم، ۱۳۸۳، روابط ایران؛ جمهوری های قفقاز، تهران دادگستر، ص ۲۳
خالقی نژاد، مریم کاکاوندی، مینا (۹۹/۸/۱۱) حقوق بین الملل و مناقشه قره باغ تمامیت
ارضی یا حق تعیین سرنوشت، مرکز بین المللی مطالعات صلح ipsc نشانی
http://peance_ibc.org/fal، دسترسی در مهر ۱۴۰۰

کولایی، الهه (۱۳۸۵) سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران، وزارت امور خارجه
کوزه گر کالجی، ولی، (۱۳۹۹) تحولات سیاسی جمهوری ارمنستان، تحولات قره باغ
پس از آتش بس

نورانی مهرآباد، قهرمان (۹۹/۱۰/۱۰) آیا مناقشه قره باغ پایان یافته است؟ کد: ۱۹۹۸۵۱۹
سایت دیپلماسی ایرانی <http://www.irdiplomacy.ir> دسترسی در مهر ۱۴۰۰

